

جدول ۳. راهنمای کتابتِ همزه

کرسی «ا»		کرسی «و»	کرسی «ی»	بدون کرسی
«ا، آ»	«آ، اَ»	«و، وُ»	«ی، یُ»	«ء»
بأس	قرآن	تلاؤ	ائتلاف	بُطء
تأثیر	لآلی	رؤسا	ارائه	بَطیء
تأخر	مآل	رؤیا	اسائه	جزء
تأخیر	مرآت	رؤیت	استثنائات	سوء
تأدیب	مآخذ	سؤال	استثنائی	شیء
تأذی	مآثر	فؤاد	القائات	ضوء
تأسف	منشآت	لؤلؤ	اورلثان	فیء
تأسیس	مآب	لؤم	ایدئالیسم	ماء
تأکید	مآرب	مؤالفت	بشاتریس	
تألف		مؤانست	بشر	
تألیف		مؤتلف	پرومتئوس	
تأمل		مؤتمن	پنگوئن	
تأمین		مؤثر	تبرئه	
تأئی		مؤدب	تخطئه	
تأنیث		مؤدی	تثاثر	
تاویل		مؤذن	تثودور	
تفأل		مؤسس	توطئه	
تلاؤ		مؤسسہ	جزئی	
توام		مؤکد	سوئی	

بدون کرسی	کرسی «ی»	کرسی «و»	کرسی «ا»	
« ء »	« د، ذ، ڌ »	« و، ڙ، ڻ »	« آ، ڦ »	« ا، ڻ، ڻا »
	جرئت دنائت دوئل رافائل رئالیست رئالیسم رئوس رئوف رئیس ڙوئن ڙوڙفیزیک سٿانس سٿول سوئڊ سٿیٽات شائول شئون قرائت قرائتات ڪاڪائو ڪلٿوپاترا لائوس	مؤلف مؤمن مؤنٺ مؤؤل مؤید		خلا رأس رأی سبأ (قرآنی) شان مأثور مأجور مأخذ مأخوذ مأذون مأکول مألوف مأمن مأمور مأنوس مأوا مأیوس مبدأ متأثر متأخر متأذى متألم

بدون کرسی	کرسی «ی»	کرسی «و»	کرسی «ا»	
« ء »	« و، ی »	« و، ی »	« آ، ا »	« ا، آ »
	لِثَام، لثیم لثون لوئی ماثو ماثو مسائل مسئول مثنوت مرثوس مرئی مشمئز ناپلثون نشته نشئت نوئل نثون ویدئو هیئت			متأمّل متأهل متلائی مستأصل ملا ملجأ منشأ نبأ (قرآنی) یأس

واژه‌ها و ترکیبات و عبارات مأخوذ از عربی

«ة» در واژه‌ها و ترکیبات و عباراتِ مأخوذ از عربی به صورتهای زیر نوشته می‌شود:

۱. اگر در آخرِ کلمه تلفّظ شود، به صورتِ «ت» نوشته می‌شود:

رحمت، جهت، قضات، نظارت، مراقبت، برائت

استثنا: صلوة، مشکوة، زکوة، رحمة الله علیه (آنجا که مراعاتِ رسم الخطّ قرآنی این کلمات در نظر باشد).

۲. اگر در آخرِ کلمه تلفّظ نشود، به صورتِ «ه/هـ» (های غیر ملفوظ) نوشته می‌شود:

علاقه، معاینه، نظاره، مراقبه، آتیه

و در این حالت از قواعد مربوط به های غیر ملفوظ تبعیت می‌کند

علاقه‌مند، نظارگان، معاینه بیمار، مراقبه‌ای

۳. در ترکیباتِ عربی رایج در فارسی، مانند کاملة الوداد، ليلة القدر، ثقة الاسلام، خاتمة الامر، دایرة المعارف، معمولاً به صورتِ «ة/ة» نوشته می‌شود، اما گاهی در بعضی از ترکیبات، مانند حجّت الاسلام و آیت الله، به صورتِ «ت» می‌آید که آن هم درست است.

«و» که در برخی از کلمه‌های عربی، مانند زکوة، حیوة، مشکوة، صلوة به صورت «آ» تلفظ می‌شود، در فارسی (جز در مواردی که رعایت رسم الخط قرآنی این‌گونه کلمات مورد نظر باشد) به صورت «الف» نوشته می‌شود.^۱

زکات، حیات، مشکات، صلات

تبصره: کلمه‌هایی مانند زکوة، مشکوة، صلوة (اگر به این صورت نوشته شده باشد)، در اضافه به «ی» نسبت یا وحدت، با «ا» و «ت» نوشته می‌شود:

زکاتی، مشکاتی، صلاتی، حیاتی

«الف کوتاه» همیشه به صورت «الف» نوشته می‌شود، مگر در موارد زیر:

۱. الی، علی، حتی، اولی، اولی

۲. اسمهای خاص:

عیسی، یحیی، مرتضی، مصطفی، موسی، مجتبی

تبصره: واژه‌هایی مانند اسمعیل، هرون، رحمن که در رسم الخط قرآنی به این صورت نوشته می‌شود در فارسی با «الف» نوشته می‌شود: اسماعیل، هارون، رحمان. بعضی کلمات از قاعده فوق مستثناست الهی، اعلیحضرت...

۳. ترکیباتی که عیناً از عربی گرفته شده است:

اعلام الهدی، بدرالدجی، طوبی‌لک، لا تُعَدُّ ولا تُحصی، سِدْرَةُ الْمُتَنهِی، لا تُحصی (صیغه‌های فعلی)

— اسامی سوره‌های قرآن (مانند یس، طه، و...) به شکل مضبوط در قرآن نوشته می‌شود، اما در کلماتی مانند یاسین، آل طاهّا و... قاعده تطابق مکتوب و ملفوظ رعایت می‌شود.

۱. اسامی خاص در متون قدیم و نام خانوادگی اشخاص، اگر با املاي عربی ثبت شده باشد، به همان شکل حفظ می‌شود: مشکوة الدینی، حیوة الحیوان و اگر با املاي فارسی ثبت شده باشد به صورت رحمت الله، حشمت الله نوشته می‌شود.

تنوین، تشدید، حرکت‌گذاری

هجای میانی «-و-»

آوردنِ تنوین (در صورتی که تلفظ شود) در نوشته‌های رسمی و نیز در متون آموزشی الزامی است. تنوین به صورتهای زیر نوشته می‌شود:

۱. تنوین نصب: در همه جا به صورتِ «أ/ا» نوشته می‌شود:

واقعاً، جزئاً، موقتاً، عجالتاً، نتیجتاً، مقدمتاً، طبیعتاً، عمداً، ابتداً^۱

تبصره ۱: کلمه‌های مختوم به همزه، مانند جزء، استثناء، ابتداء، هرگاه با تنوین نصب همراه باشد، همزه آنها روی کرسی «ی» می‌آید و تنوین روی «الف» بعد از آن قرار می‌گیرد: جزئاً، استثنائاً، ابتدائاً.

تبصره ۲: تاء عربی «ة/ه» اعم از آنکه در فارسی به صورتِ «ت» یا «ه/ه» (های غیرملفوظ) نوشته یا تلفظ شود، در تنوین نصب، بدل به «ت» کشیده می‌شود و علامت تنوین روی الفی که پس از «ت» می‌آید قرار می‌گیرد، مانند نتیجتاً، موقتاً، نسبتاً، مقدمتاً، حقیقتاً.

۲. تنوین رفع و تنوین جزّ: در همه جا به صورتِ ؕ و ُ نوشته می‌شود و فقط

۱. اگر بخواهیم بی‌تنوین خوانده شود: مطلقاً، اصلاً، ابتدا.

در ترکیبات مأخوذ از عربی که در زبان فارسی رایج است به کار می‌رود:
 مثلاً: مضاف‌الیه، منقول‌ عنه، مختلفٌ فیهِ، متفقٌ علیهِ
 بعبارةٔ آخری، اباعن جلد، ای نحوکان

گذاشتن تشدید همیشه ضرورت ندارد مگر در جایی که موجب ابهام و التباس شود که یکی از مصادیق آن هم نگاشت‌هاست^۱:
 معین / معین؛ علی / علی؛ دوار / دوار؛ کُره / کُره؛ بنا / بنا
 تبصره: در متون آموزشی برای نوآموزان و غیرفارسی‌زبانان و نیز در اسناد و متون رسمی دولتی، گذاشتن تشدید در همه موارد ضروری است.

حرکت‌گذاری تنها در حدّی لازم است که احتمال بدخوانی داده شود:
 عَرْضه / عَرْضه؛ حَرْف / حَرْف؛ بُزْد / بُزْد؛ سِرْچشمه / سِرْچشمه

واژه‌های دارای هجای میانی «-وو-» با دو واو نوشته می‌شود:
 طاووس، لهاور، کیکاووس، داوود

تبصرهٔ ۱: نوشتن «داود» با یک واو به تبعیت از رسم الخط قرآنی بلامانع است.
 تبصرهٔ ۲: در مورد نام شخص، ضبط نهادی شده (مطابق شناسنامه) اختیار می‌شود:
 کاوس، کاوسی.

۱. هم‌نگاشت: به واژه‌هایی اطلاق می‌شود که دارای املائی واحد اما دو تلفظ و دو معنی متفاوت است.

ترکیبات*

در باب پیوسته‌نویسی و یا جدانویسی ترکیبات در زبان فارسی سه فرض قابل تصور است:

۱. تدوین قواعدی برای جدانویسی همه کلمات مرکب و تعیین موارد استثنا.
۲. تدوین قواعدی برای پیوسته‌نویسی همه کلمات مرکب و تعیین موارد استثنا.

۳. تدوین قواعدی برای جدانویسی الزامی بعضی از کلمات مرکب و پیوسته‌نویسی بعضی دیگر و دادن اختیار درخصوص سایر کلمات به نویسندگان. فرهنگستان در تدوین و تصویب «دستور خط فارسی»، فرض سوم را برگزیده و تنها موارد الزامی جدانویسی و یا پیوسته‌نویسی را به شرح زیر معین کرده است:

الف) کلمات مرکبی که الزاماً پیوسته نوشته می‌شود:

۱. کلمات مرکبی که از ترکیب با پیشوند ساخته می‌شود همیشه جدا نوشته می‌شود، مگر مرکب‌هایی که با پیشوندهای «به»، «بی» و «هم»، با رعایت

* در اینجا ترکیبات شامل مرکب و مشتق است و به معنایی اعم از معنای مورد نظر نویسندگان کتابهای دستور زبان به کار رفته است.

استثناهایی، ساخته می شود و احکام آن در «املائی بعضی از واژه ها و پیشوندها و پسوندها» (ص ۲۲ و ۲۳) آمده است.

۲. کلمات مرکبی که از ترکیب با پسوند ساخته می شود همیشه پیوسته نوشته می شود، مگر هنگامی که:

الف) حرف پایانی جزء اول با حرف آغازی جزء دوم یکسان باشد:
نظام مند، آب بان

ب) جزء اول آن عدد باشد:

پنج گانه، ده گانه، پانزده گانه

استثنا: بیستگانی (واحد پول)

تبصره: پسوند «وار» از حیث جدا و یا پیوسته نویسی تابع قاعده ای نیست، در بعضی کلمه ها جدا و در بعضی دیگر پیوسته نوشته می شود:

طوطی وار، فردوسی وار، طاووس وار، پری وار

بزرگوار، سوگوار، خانوار

۳. مرکبهایی که بسیط گونه است:

آبرو، الفبا، آبشار، نیشکر، رختخواب، یکشنبه، پنجشنبه، سیصد، هفتصد،

یکتا، بیستگانی

۴. جزء دوم با «آ» آغاز شود و تک هجایی باشد:

گلاب، پساب، خوشاب، دستاس

تبصره: جزء دوم، اگر با «آ» آغاز شود و بیش از یک هجا داشته باشد، از قاعده ای تبعیت نمی کند: گاهی پیوسته نوشته می شود، مانند دلاویز، پیشاهنگ، بسامد، و گاهی جدا، مانند دانش آموز، دل آگاه، زبان آور.

۵. هرگاه کاهش یا افزایش واجی یا ابدال یا ادغام و مزج یا جابه جایی آوایی در داخل آنها روی داده باشد:

چنو، هشیار، ولنکاری، شاهسپرم، نستعلیق، سکنجبین

۶. مرکبی که دست کم یک جزء آن کاربرد مستقل نداشته باشد:

غمخوار، رنگرز، کهربا

۷. مرکب‌هایی که جدا نوشتن آنها التباس یا ابهام معنایی ایجاد کند:^۱
بهار (به یار)، بهروز (به روز)، بهنام (به نام)
۸. کلمه‌های مرکبی که جزء دوم آنها تک‌هجایی باشد و به صورت رسمی یا نیمه رسمی، جنبه سازمانی و اداری و صنفی یافته باشد:
استاندار، بخشدار، کتابدار، آشپز

ب) کلمات مرکبی که الزاماً جدا نوشته می‌شود:

۱. ترکیب‌های اضافی (شامل موصوف و صفت، و مضاف و مضاف‌الیه):
دست کم، شورای عالی، حاصل ضرب، صرف نظر، سیب زمینی، آب میوه، آب لیمو
۲. جزء دوم با «الف» آغاز شود:
دل انگیز، عقب افتادگی، کم احساس
۳. حرف پایانی جزء اول با حرف آغازی جزء دوم همانند یا هم‌مخرج باشد:
آیین نامه، پاک‌کن، کم مصرف، چوب‌بری، چوب‌پرده
۴. مرکب‌های اتباعی و نیز مرکب‌های متشکل از دو جزء مکرر:
سنگین‌رنگین، پول‌مول، تک‌تک، حق‌حق
۵. مصدر مرکب و فعل مرکب:
سخن گفتن، نگاه داشتن، سخن گفتن، نگاه داشتن
۶. مرکب‌هایی که یک جزء آنها کلمه دخیل فرنگی باشد:
خوش‌پُز، شیک‌پوش، پاگون‌دار
۷. عبارتهای عربی که شامل چند جزء باشد:
مع ذلک، من بعد، علی هذا، ان شاء الله، مع هذا، باری تعالی، حق تعالی،
علی ای حال

۱. این التباس بیشتر در به، که و که (صورت که بیشتر در قدیم و عمدتاً در شعر به کار رفته است) مشاهده می‌شود: بهساز، کهربا، کهکشان، کهگل، کهریز، کُهار.

تبصره: هر دو صورت نوشتاری «باسمه تعالی» و «بسمه تعالی» جایز است.
۸. یک جزء از واژه‌های مرکب عدد باشد:

پنج تن، هفت گنبد، هشت بهشت، نه فلک، ده چرخه

تبصره: به استثنای عدد یک، که بسته به مورد و با توجه به قواعد دیگر، با هر دو املا صحیح است:

یکسویه / یکسویه؛ یکشبه / یکشبه؛ یکسره / یکسره؛ یکپارچه /
یک پارچه

۹. کلمه‌های مرکبی که جزء اول آنها به های غیر ملفوظ ختم شود (های غیر ملفوظ در حکم حرف منفصل است):
بها نه گیر، پایه دار، کناره گیر

تبصره: کلمه‌هایی مانند تشنگان، خفتگان، هفتگی، بجگی که در ترکیب، های غیر ملفوظ آنها حذف شده و به جای آن «گ» میانجی آمده است، از این قاعده مستثناست.

۱۰. کلمه با پیوسته نویسی، طولانی یا نامأنوس یا حیثاً پردندانه شود:

عافیت طلبی، مصلحت بین، پاک ضمیر، حقیقت جو

۱۱. هرگاه یکی از اجزای کلمه مرکب دارای چندگونه مختوم به حرف منفصل و حرف متصل باشد، چون جدانویسی گونه یا گونه‌های مختوم به حرف منفصل اجباری است به تبع آن جدانویسی گونه یا گونه‌های دیگر نیز منطقی تر است:

پابره نه / پائی برهنه؛ پامال / پائی مال

۱۲. یک جزء کلمه مرکب صفت مفعولی یا صفت فاعلی باشد:

اجل رسیده، نمک پرورده، اخلاص کننده، پاک کننده

۱۳. یک جزء آن اسم خاص باشد:

سعدی صفت، عیسی دم، عیسی رشته مریم بافته

۱۴. جزء آغازی یا پایانی آن بسامد زیاد داشته باشد:

نیک بخت، هفت پیکر، شاه نشین، سیه چشم

۱۵. هرگاه با پیوسته نویسی، اجزای ترکیب معلوم نشود و احیاناً ابهام معنایی

پدید آید:

پاک نام، پاک دامن، پاک رای، خوش بیاری